

## چرا در فستیوال تئاتر ایرانی کلن شرکت نمی کنیم

(چاپ شده در کیهان لندن، نوامبر ۲۰۰۱)

نیلوفر بیضایی

فستیوال تئاتر ایرانی هشت سال است که در شهر کلن برگزار می شود و گروه تئاتر دریچه به سرپرستی من تاکنون این نمایشنامه ها را در فستیوال اجرا کرده است: "مرجان، مانی و چند مشکل کوچک" (نویسنده و کارگردان: نیلوفر بیضایی، ۱۹۹۶)، "بازی آخر" (نویسنده و کارگردان: نیلوفر بیضایی، ۱۹۹۷)، "سرزمین هیچکس" (نویسنده و کارگردان: نیلوفر بیضایی، ۱۹۹۸)، "چاقو در پشت" (نویسنده: کاوه اسماعیلی، کارگردان: نیلوفر بیضایی، ۱۹۹۹)، "روپاهای آبی زنان خاکستری" (نویسنده و کارگردان: نیلوفر بیضایی، ۲۰۰۰).

امسال نیز بنا بود نمایشنامه ی جدید ما "سه نظر دربارہ ی یک مرگ" (نویسنده: مینا اسدی، کارگردان: نیلوفر بیضایی) در تاریخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۱ در چارچوب این فستیوال در شهر کلن بروی صحنه برود. مدیر فستیوال کلن از دو سه سال پیش به اینسو با عده ای از ما شرکت کنندگان فستیوال و دیگر تئاتریها بطور ضمنی درباره ی احتمال دعوت از گروههای تئاتری داخل ایران صحبت کردند و نظر ما را در این مورد جویا شدند. من به سهم خود به ایشان گفتم که ما تبعیدیان که کارهایمان و نظراتمان امکان مطرح شدن در درون ایران را ندارد، مسلما و از صمیم قلب با آن بخش از همکاران خود در ایران که با وجود جو فشار و سانسور تلاش می کنند تا صدای معترض مردم ایران را نسبت به رژیم که بیست و دو سال است خود را برما تحمیل کرده است، در آثارشان منعکس کنند و از دردهای پنهان پرده بردارند، احساس نزدیکی می کنیم و بهمین دلیل نیز با وجود تمام سختی ها داریم کار می کنیم تا آن بخشهایی را که آنها در ایران نمی توانند بیان کنند، در اینجا با مخاطب رنجدیده در میان بگذاریم. اما دعوت از گروههای تئاتری از ایران بدون گذشتن از سدهای بشمار از جمله وزارت ارشاد و ارگانهای دولتی ممکن نیست. پس نمایشهای این گروهها اگر هم اجازه ی قانونی خروج از ایران بگیرند، در فستیوال کلن بصورت سانسور شده بروی صحنه خواهد رفت و این یعنی که آن صدای معترض در آنها از پیش خفه شده است. در نتیجه نمی توانند منعکس کننده ی صدای معترض داخل ایران باشند. از سوی دیگر به ایشان یادآوری کردم که طبق شواهد عینی و تجربه های انجام شده در این زمینه که یکی از نمونه هایش هفته ی هنر ایران در شهر برلین بود و سال گذشته در آن شهر برگزار شد، افراد این گروههای تئاتری توسط مامورانی که بهمراه آنها فرستاده می شوند، مدام تحت کنترل قرار می گیرند تا مبادا با نیروهای "ضد انقلاب" تماس برقرار کنند. علاوه بر اینها از آنجا که بازیگران یکی دو گروه تئاتری که در سالهای گذشته توسط دولت‌های اروپایی دعوت شده بودند، پس از اجرا به این کشورها پناهنده شده اند، ماموران همراه معمولا پاسپورت‌های افراد گروه را تا روز بازگشت نزد خود نگاه می دارند.

از آقای مدیر فستیوال سوال کردم که آیا حضور این گروهها در چنین شرایط توهین آمیزی اصولا درست است یا نه. سوال دیگر من این بود که آیا این درست است که ما کسانی را که حتی در خارج از ایران ناچار به رعایت موازین جمهوری اسلامی هستند و باید مواظب حرف زدن و تک تک رفتارهایشان باشند به جایی که ایرانیان برای فرار از این اجبارها بدان پناه آورده اند یعنی به اروپا دعوت کنیم؟

مسئله ی سوم که من با ایشان در میان گذاشتم این بود که جدا از همه ی اینها کاری که ایشان قصد انجامش را دارند (دعوت از گروههای داخل ایران) در شرایطی که چند سال است آثار هنری ایران اسلامی دارد با بودجه های کلان دولت‌های اروپایی و همکارانشان در دولت اسلامی هر ماه یا چند ماه یکبار در شهرهای اروپایی تحت عنوان هفته های ایران برگزار می شود، چه معنایی دارد. آیا می خواهیم مانند مثالهای بیشتر دیگر زنان بازیگر را به اینجا بیاوریم تا از آنها بشنویم که روسری را داوطلبانه بر سر می کنند و در سینما و تئاتر پوشش اسلامی هیچ مشکلی برای کارشان ایجاد نمی کند؟ (خانمها نیکی کریمی، فرشته طائرپور...) یا اینکه می خواهیم از آنها بشنویم که سانسور آنچنان که ما گنده اش می کنیم نه تنها بد نیست، بلکه باعث رشد خلاقیت نیز می شود (عباس کیارستمی و...) و یا اینکه باز پیچ های این و آن را بشنویم که "این را نگو"، "آن را مپرس"، "اینها می خواهند برگردند..."

به آقای فلاح زاده خاطر نشان کردم که اهمیت فستیوال کلن در مستقل بودنش است و در اینکه هر چند در سطحی نه به وسعت هفته های ایران جمهوری اسلامی، اما شاید تنها مجرای باشد که منعکس کننده ی فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان خارج از ایران است. درست در شرایطی که موج تبلیغات دولتیان در ایران برضد حضور ایرانیان خارج از کشور و این ادعا که آنها هیچ کاری نمی کنند و غر زیادی هم می زنند و تصویری که از ما در فیلمها و بسیاری از آثار ادبی داخل ایران ارائه می شود (طبق این تصویرها ما همه یا قاچاقچی و خلافکاریم یا "ضدانقلاب" مسلح و آدم خوار و یا یک مشت شکمبارہ ی بی هویت که فقط خوش می گذرانند و راه ساده تر را برگزیده اند !!!) یک تصویر غیر واقعی و دروغین است، فستیوال کلن نمونه ی بارز حضور فرهنگی و مداوم ایرانیان معترضی است که با وجود عشقی که به میهن از دست رفته شان دارند، در اینجا نیز ساکت ننشسته اند و خلق می کنند و می آفرینند و تمام سختی ها را نیز به جان می خردند.

به ایشان گفتم که در صورت دعوت گروههایی از ایران که قصد بازگشت دارند و بناچار می بایست سکوت کنند ، نه تنها هیچ کمکی به باز شدن فضای ایران نمی کنیم ، بلکه تنها فضای باز خارج از کشور را خواهیم بست . چرا که ما گروههای معترض نیز ناچار به سکوت خواهیم شد تا برای آنها که به ایران باز می گردند مشکلی ایجاد نشود. آقای مدیر مسئول گفتند که در این باره فکر خواهند کرد . پس از این گفتگو بارها با ایشان در تماس بودم ، چرا که مشخصات و مدارک مربوط به کار جدید را باید برایشان می فرستادم و ایشان هم دیگر چیزی در این مورد نگفتند ... تا اینکه در تاریخ ۲ اکتبر از دوستی شنیدم که برنامه ی فستیوال کلن پخش شده و علاوه بر کارهای ما دو کار نیز از ایران دعوت شده که یکی از آنها "تعزیه" است و دیگری کاری از قطب الدین صادقی .

بلافاصله با مدیر فستیوال تماس گرفتم و جواب گرفتم که بلی ، قرار است این دوگروه بیایند . من به ایشان گفتم که شرکت امسال من در فستیوال بی سر و صدا نخواهد بود و نظراتم و در همانجا اعلام خواهم کرد و به بحث خواهم گذاشت و همچنین گفتم که از آنجا که "حزب" نیستم ، با این نظرات تاکتیکی و عذرهای بدتر از گناه کوچکترین میانه ای ندارم . همچنین از ایشان خواستم از آنجا که تغییر اهداف فستیوال به این شکلی که ایشان پیش گرفته اند ، مشخصا از یک جهت گیری سیاسی خاص بر می آید ، برای روشن شدن صریح اهدافشان ، آنها را بوضوح در مطبوعات مطرح کنند . اول پذیرفتند ، بعد گفتند نه ، بعد باز گفتند باشد. اما تا امروز ۲۷ اکتبر نیز هیچ توضیحی در جایی نداده اند . در عین حال متن اعلامیه ای را که منعکس کننده ی اعتراض بخش مهمی از هنرمندان به شیوه ای که در پیش گرفته اند است ، برایشان فکس کردم و گفتم که تعداد زیادی از هنرمندان از آن پشتیبانی خواهند کرد. با گذشت زمان و با توجه به اینکه ایشان گویا پشتشان گرمتر از این حرفهاست و هیچ لزومی به توضیحی نمی بینند ، حضور ما در این فستیوال روز بروز بی معنی تر شد. ما ، که می دانیم چرا اینجاییم و نه در ایران . ما ، که علت حضورمان در اینجا اعتراض است به سرکوب و اختناق حاکم بر ایران . ما ، که سانسور را برای هنر زهر می دانیم و از سمبلیسم اجباری بیزاریم و امکان بیان صریح حرف و اندیشه بدون وحشت از عواقبش را پیش شرط ورود به مرزهای تمدن می دانیم. در عین حال با خبر شدم که همکارانم سودابه فرخ نیا، کارگردان نمایش " خورشید در قفس" (چهار تک پرده ) به نوشته ی ستار لقای و سوسن فرخ نیا ، کارگردان نمایش "اندر باب زنی که تمام رفت و نیمه تمام باز آمد" به نوشته مصطفی شفافی ، بعنوان اعتراض از شرکت در فستیوال صرف نظر کرده اند . برای اعلام همبستگی با همکاران معترض و بعنوان اعتراض به سیاست جدید فستیوال کلن و از آنجا که بر این باورم که شرکت امسال ما هیچ معنایی جز پذیرفتن چارچوبی که دیگران برایمان تعیین کرده اند ، نمی داشت و در سالهای آینده در هر حال به حذف ما منتهی می شد ، من نیز تصمیم گرفتم که از شرکت دادن کارم در این فستیوال صرف نظر کنم. متاسفانه و با وجود تمام احترامی که برای فعالیتهای این فستیوال در هفت سال گذشته قائلم و با شرکت هر ساله در آن به تداوم فعالیتهاش یاری رسانده ام ، با توجه به شرایط فعلی ناچاریم راهمان را از یکدیگر جدا کنیم .

با اینهمه به اطلاع آن بخش از تماشاگران وفادار کارهایم در شهر کلن می رسانم که نمایش "سه نظر درباره ی یک مرگ" در تاریخ ۱۰ نوامبر (یکهفته پیش از فستیوال)، ساعت ۸ شب در سالن آرکاداش تئاتر شهر کلن (Platen Str) بروی صحنه خواهد رفت.

بگذارید این نوشته را با سخنی از ابراهیم مکی به پایان ببرم : "ما به آن بخش از همکارانمان که در ایران هستند و با وجود تمام فشارها تلاش می کنند تا آن صدای معترض را منعکس کنند ، خود را کاملا نزدیک حس می کنیم . در ضمن به خودمان اجازه نمی دهیم برای آن گروه دیگر که به اشکال مختلف با دستگاه حاکم ساخت و پاخت می کنند ، تعیین تکلیف کنیم . همچنین بهیچوجه اجازه نمی دهیم که آنها برایمان حد و حدود تعیین کنند و ما را به شکل خود در آورند." (نقل به معنی)

توضیح : آقای ستار لقای ، نویسنده ی نمایش "خورشید در قفس" (چهار تک پرده) ضمن اینکه موافقت کامل خود را با نکات مطرح شده در این متن اعلام کردند ، از من خواستند توضیح بدهم که علاوه بر نکات بالا شرکت شخصی (کارگردان یکی از گروههای شرکت کننده از ایران) که خود یکی از همکاران دستگاه سانسور است ، یکی دیگر از عمده دلایل عدم شرکت گروهها در فستیوال کلن بوده است.